

# برنامه تعدیل ساختاری و اعتراضات جهانی<sup>(۱)</sup>

احمد سیف

در پیش گفتاری که چند سال پیش بر مجموعه «جهانی کردن فقر و فلاکت: استراتژی تعدیل ساختاری در عمل» [نشر آگه، تهران، ۱۳۸۰] نوشتم وعده دادم که اگر عمری باشد مجموعه دیگری که در برگزیده تجربه‌های بیشتری از استراتژی تعدیل ساختاری باشد به علاقمندان این گونه مباحث تقدیم کنم. با منتهای صداقت می‌گویم که در زمان نوشتن آن پیش گفتار امیدوار بودم که برداشت من از این استراتژی که، آن را در نوشته‌های دیگر زمینه‌سازی برای قتل عام اقتصادی خوانده بودم، غلط اندر غلط از آب دربیاید و من بتوانم با خوشحالی و سرور اعلام کنم: خانمها، آقایان: ببخشید. اشتباه کرده بودم.

درمندان باید بگویم که نه تنها این گونه نشد، بلکه اوضاع از آن چه که گمان می‌کردم بسیار بدتر و هراسناک‌تر شده است. به قول معروف، آتش آن قدر شور شد که حتی آتشیز و سرآتشیز هم فهمیدند. مقوله بحران بدهی خارجی دیگر مقوله‌ای اقتصادی یا مالی نیست بلکه به صورت مشکلی سیاسی و حتی روان شناختی درآمده است. مسئله فقر، و در واقع جهانی کردن آن، دیگر مقوله‌ای نیست که سخن گفتن از آن در انحصار عناصر رادیکال و چپ‌اندیش باشد. درباره سازمان‌های اصلی این خرابکاری گسترده اقتصادی، (صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) نیز انتقادات از ابعادی محدود فراتر رفته، اکنون صحبت از برچیدن احتمال صندوق بین‌المللی پول است و محدود کردن دامنه اقدامات بانک جهانی. دولت امریکا در تصمیمی که اخیراً اتخاذ کرد و میزان تعرفه را بر چند قلم کالاهای وارداتی به امریکا (برای نمونه، بر فولاد به میزان ۳۰ درصد) افزایش داد، تیر خلاص را به مغز سازمان تجارت جهانی بتلیک کرده است.

این مجموعه مقاله که اکنون به علاقمندان این گونه مباحث تقدیم می‌شود، این روایت را بی‌گیری می‌کند. می‌کوشد مسئولان را بشناساند و برآوردی از میزان خسارات احتمالی به دست بدهد. همانند مجموعه پیشین گستردگی جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی نمونه‌ها به گونه ایست که نمی‌توان بی‌قابلیتی این یا آن حکومت را عامل ناکامی دانست. کار از ریشه خراب است. بدون پرده‌پوشی باید گفت که استراتژی تعدیل ساختاری و اجزای آن - در هر پوششی که عرضه شود - مجموعه بهم پیوسته‌ای برای سازمان دادن قتل عام اقتصادی است و باید بدون وقفه در سرتاسر جهان متوقف شود.

با همه آنچه که در جهان پیرامونی می‌گذرد [آن چه به ناروا جهان سوم خوانده می‌شود]<sup>(۱)</sup> حیرت‌آور است که در همین جهان پیرامونی کم نیستند کسانی که هنوز مدافع اجرای این برنامه‌ها هستند. برنامه‌هایی که برخلاف عنوان فریبنده‌اش با دوزخ تنها چهار قدم فاصله دارد. این دوزخ بر خلاف باور دین باوران، آسمانی نیست و در همین کره خاکی خود را می‌نمایاند و همه چیز دوزخیان زمینی را به آتش می‌کشد. هر چند که وعده‌ها، هم‌چنان وعده رسیدن به بهشت موعود است.

به تاریخچه دردناک تعدیل ساختاری نمی‌پردازم که برخلاف باور مدافعانش در جهان پیرامونی نه یک استراتژی توسعه، که شیوه‌ای کارساز برای بازستانی وام‌های نیم سوخته بانک‌های خصوصی غربی بود<sup>(۲)</sup>. عبرت آموز است که وقتی به دست‌آورد کشورهای درگیر این برنامه می‌نگرید، آن وعده‌هایی واهی رسیدن به بهشت به کنار، حتی در تخفیف این مشکل بدهی

هم، با همه غارتی که از منابع محدود جهان پیرامونی صورت گرفته است، ناموفق بوده است. با همه این پرداخت‌ها، امروز بدهی‌های کشورهای پیرامونی بسی بیشتر از ۱۵ سال پیش است. بدهی کشورهای پیرامونی اکنون بیش از ۲۵۰۰ میلیارد دلار است و آن چه این کشورها برای بهره این بدهی می‌پردازند ۹ برابر کلیه کمک‌هایی است که از کشورهای ثروتمند غربی دریافت می‌کنند. به عنوان نمونه پارسال پس از سیل خانمان براندازی که بخش عمده‌ای از موزامبیک را ویران کرد مجموع کمک‌های دریافتی ۴۰ میلیون دلار بود در حالی که در همان سال موزامبیک ۷۰ میلیون دلار برای بهره بدهی‌هایش به کشورهای ثروتمند پرداخت<sup>(۳)</sup>. حتی در جریان‌ات اخیر، صندوق بین‌المللی پول با عشوه و ناز می‌پذیرد به آرژانتین ۲۰ میلیارد وام بدهد به شرط آن که آرژانتین به طلبکاران خود ۲۷ میلیارد دلار بپردازد! به سخن دیگر حتی یک سنت از این ۲۰ میلیارد دلار هم به آرژانتین نخواهد رسید. از حساب یک بانک در نیویورک به حساب بانک‌هایی دیگر در همان کلان شهر منتقل می‌شود ولی بدهی آرژانتین بیشتر خواهد شد. تانزانیا را در نظر بگیرید. در کشوری که ۵۰ درصد جمعیت‌اش بی‌سوادند، ۵۰ درصد بودجه‌اش صرف پرداخت بهره بدهی‌ها می‌شود که ۴ برابر کل بودجه آموزشی آن کشور است<sup>(۴)</sup>. در عرصه‌های دیگر، بر خلاف وعده‌های دروغین مدافعان نفع خود طلب و مسئولیت‌گریز این استراتژی در کشورهای پیرامونی، وضع از آن چه که بود بسیار ناهنجارتر شده است. سازمان آب آرژانتین را با همین وعده‌های دروغین به بخش خصوصی واگذار کردند و یک کمپانی فرانسوی سازمان آب آرژانتین را به قیمت مفت خرید و طولی نکشید که بهای آب ۴۰۰ درصد افزایش یافت<sup>(۵)</sup>. باری، در ۱۹۸۹، کل بدهی کشورهای پیرامونی به بانک‌ها و دولت‌های غربی معادل ۱۱۲۵ میلیارد دلار بود. در حالی که این کشورها در فاصله ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۸، مبلغی معادل ۱۹۵۶ میلیارد دلار بابت این بدهی‌ها پرداخت کرده‌اند میزان بدهی خارجی آنها در ۱۹۹۸ معادل ۱۹۵۰ میلیارد دلار بوده است<sup>(۶)</sup>. و یا در مورد مشخص برزیل، در ۱۹۸۰ کل بدهی برزیل معادل ۶۴ میلیارد دلار بود در فاصله ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ این کشور ۱۴۸ میلیارد دلار برای این بدهی‌ها پرداخت با این وصف میزان بدهی آن در ۱۹۸۹ به مبلغی معادل ۱۲۱ میلیارد دلار افزایش یافت<sup>(۷)</sup>.

همین‌جا بگویم. فکر بد نکنید. بطور مطلق صحبت از توطئه نیست. این برنامه، برنامه‌ایست که با دقت و هوشیاری اجزای آن بررسی شده است. ابزار آن معلوم و مشخص‌اند و پی‌آمدهایش برای واضعین آن روشن است. به گفته استاد سوزان جورج «در این روند رو به افزایش نابرابری درآمدها، هیچ رمز و رازی وجود ندارد. سیاست‌ها مشخصاً به این خاطر تدوین می‌شوند تا درآمد بیشتری در اختیار ثروتمندان قرار بگیرد»<sup>(۸)</sup> ولی وقتی نوبت به ارایه این برنامه‌ها به جهان پیرامونی می‌رسد، دنیا را دروغ و ریا فرا می‌گیرد.

پیش زمینه این گونه است که سازمان‌های مالی بین‌المللی با «استراتژی مساعدت به کشور» از راه می‌رسند، که به ادعای بانک جهانی، این «استراتژی» بر اساس نتیجه پژوهش‌هایی بالینی در باره نیازهای هر کشور خاص تنظیم شده است. این ادعا، با شواهد موجود در جهان تأیید نمی‌شود. پرسش اساسی این است که این چگونه پژوهش ویژه‌ای است که به مدد آن همه

کشورها، مستقل از تاریخ و اقتصاد و فرهنگ و اندازه و جمعیت و سیاست‌شان، سراز همین چهار قدم به دوزخ در می‌آوردند؟

می‌خواهد شوروی سابق باشد یا آرژانتین، می‌خواهد هندوستان باشد یا مغولستان. در این مقطع است که «قرارداد تعدیل» به وزیر مالیه کشور مورد نظر عرضه می‌شود. البته که در حرف می‌تواند امضاء نکند<sup>(۱۲)</sup> ولی در آن صورت، بعد، نباید جای گله باشد اگر این سازمان‌های پر قدرت و غیر پاسخگو به تقاضای آن برای وام یا مساعدت‌های دیگر جواب مساعد ندادند و یا حتی کشورهای «خاطی» را در لیست سیاه گذاشتند. به قول مارکس، «آقایان: تجارت، تجارت است» جای شوخی کردن نیست.

### خصوصی سازی

قدم اول: خصوصی کردن اموال دولتی است. سیاستمدارانی که طرف قرارداد تعدیل اند بر اموال دولتی هم چون اموالی صاحب مرده چوب حراج می‌زنند. در این قدم اول، هیچ چیز که قابل فروش نباشد، وجود ندارد. از صنایع مادر گرفته تا صنایع نوزاد. آب و برق و تلفن و حتی بهداشت و آموزش.

اگر چه ادعا می‌شود هدف حذف کسری بودجه دولت است و نه کسب درآمد، در عمل اما، صنایع سودآور به فروش می‌روند و شاخه‌های زیان ده اقتصاد و بال گردن دولت باقی می‌مانند. نتیجه این که، کسری بودجه به جای کاهش، در اغلب موارد افزایش می‌یابد. یکی از شکردها این است که پیش از خصوصی سازی در پوشش‌های فریبنده‌ی گوناگون قیمت خدمات و کالاهای ارایه شده از سوی این مؤسسات را افزایش می‌دهند تا لقمه خصوصی کردن زیر زبان خریداران داخلی و خارجی بیشتر مزه کند. البته اگر دولت‌ها این چنین نکنند، خریداران خصوصی از راه رسیده این کار را خواهند کرد. به قول معروف، ز هر طرف که شود کشته، به سود خریداران بخش خصوصی است. البته خریداران تازه هر چه را که نقد شدنی باشد، نقد می‌کنند و بر خلاف وعده، توان تولیدی اقتصاد به جای افزایش کاهش می‌یابد. حرف مرا قبول نکنید، به جدول زیر که وضعیت چند کشور در حال تعدیل را نشان می‌دهد بنگرید.

### درصد تغییرات در تولید ناخالص ملی در فاصله ۹۴-۱۹۸۹<sup>(۱۳)</sup>

|           |     |           |     |
|-----------|-----|-----------|-----|
| آلبانی    | -۳۵ | لتویا     | -۴۵ |
| آذربایجان | -۳۳ | لیتونی    | -۵۵ |
| بلاروس    | -۳۱ | مولدووا   | -۵۰ |
| بلغارستان | -۳۱ | لهستان    | -۱۲ |
| کروواسی   | -۲۴ | رومانی    | -۳۱ |
| جمهوری چک | -۲۱ | روسیه     | -۴۴ |
| استوانی   | -۳۲ | اسلواکی   | -۲۵ |
| ارمنستان  | -۶۵ | اسلووینیا | -۱۴ |
| گرجستان   | -۷۴ | تاجیکستان | -۶۳ |
| مجارستان  | -۱۸ | ترکمنستان | -۲۱ |
| قزاقستان  | -۳۲ | اوکراین   | -۴۴ |
| قرقیزستان | -۴۰ | ازبکستان  | -۴۰ |

### رها سازی

قدم دوم: رها سازی بازار سرمایه است. وعده اما این است که با این کار سرمایه از مداخلات مضر دولت رها شده به اقتصادی که بازار سرمایه‌اش از این مداخلات رها باشد رفت و آمد می‌کند. این جا یا با ساده انگاری روبرو هستیم و یا با کلاشی عقیدتی و ایدئولوژیک. چون آن چه سرمایه را می‌رماند، بی‌ثباتی سیاسی و سیاست‌پردازی اقتصادی، عدم امنیت جان و مال و قانون گریزی و قانون ستیزی است. وقتی به این وجوه اصلی توجه کافی مبذول نمی‌شود و تنها از بازار سرمایه کنترل زدانی می‌کنند، نتیجه همانطور که تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد، افسوس، تنها رفتن سرمایه است و این رفتن، آمدنی در پی ندارد. به نمونه‌ی مکزیک بنگرید: براساس آمارهای رسمی بانک مرکزی آمریکا در طول ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ ودیعه مکزیک‌ها در بانک‌های آمریکائی ۱۲/۲ میلیارد دلار به ۲۶/۳ میلیارد دلار رسید. ودیعه‌ای که مکزیک‌ها در ۷ ماه اول سال ۱۹۹۶ در بانک‌های آمریکائی انباشت کردند یک سوم کل پس انداز بخش خصوصی در مکزیک بود.<sup>(۱۴)</sup> وقتی چنین می‌شود،

کارشناسان صندوق بین‌المللی پول در نامه‌های اقتصادی‌شان را باز می‌کنند و نسخه می‌دهند که باید نرخ بهره افزایش یابد تا موجب جلب سرمایه‌ها بشود. اما، نرخ بهره افزایش می‌یابد، بی‌آنکه سرمایه‌ای جلب شود. برای نمونه در مکزیک نرخ بهره را بین ۳۵ تا ۷۵ درصد در سال افزایش دادند<sup>(۱۵)</sup> ولی بالاترین نرخ بهره، بخش مسکن را منهدم کرد و باعث سقوط بیشتر تولید صنعتی شد. بد نیست توجه شما را به تغییراتی که در میزان سرمایه‌گذاری در این اقتصادهای در حال تعدیل اتفاق افتاده است جلب کنم.

### درصد تغییرات در میزان سرمایه‌گذاری در اقتصاد در فاصله ۹۴-۱۹۸۹<sup>(۱۶)</sup>

|           |     |           |     |
|-----------|-----|-----------|-----|
| آلبانی    | -۲۴ | لتویا     | -۷۶ |
| آذربایجان | -۳۵ | لیتونی    | -۷۴ |
| بلاروس    | -۶  | مولدووا   | -۹۰ |
| بلغارستان | -۵۵ | لهستان    | -۵۷ |
| کروواسی   | -۲۵ | رومانی    | -۳۸ |
| جمهوری چک | -۲۱ | روسیه     | -۵۴ |
| استوانی   | -۴۷ | اسلواکی   | -۴۷ |
| ارمنستان  | -۹۱ | اسلووینیا | -۱۲ |
| گرجستان   | -na | تاجیکستان | -na |
| مجارستان  | -۳۵ | ترکمنستان | -na |
| قزاقستان  | -۳۴ | اوکراین   | -۸۸ |
| قرقیزستان | -na | ازبکستان  | -۴۲ |

### کنترل‌زدایی

قدم سوم: کنترل‌زدایی از قیمت‌هاست که در تحت عناوینی بشدت فریبنده چون عملکرد بازار، شفافیت قیمت‌ها و میدان دادن به عرضه و تقاضا برای تعیین «قیمت واقعی» بر داشته می‌شود. بی‌پرده باید گفت که همه این ادعاهای واهی به واقع ترفندی برای افزودن بر قیمت مواد غذایی، آب، برق، روغن، و بنزین و هزار و یک چیز دیگر است.

البته قبل از رسیدن به قدم چهارم، باید از قدم سه و نیم هم سخن گفت. وقتی قیمت‌ها «دلاری» می‌شود و درآمدها به پول محلی باقی می‌ماند، نتیجه اجتناب‌ناپذیر این گسیختگی عمده «شورش‌های تعدیل ساختاری» است. البته شورش‌های تعدیل چیزی به غیر از تظاهرات اعتراضی به این خرابکاری اقتصادی در راستای رسیدن به دوزخ نیست که با تانک و گلوله پاسخ داده می‌شود.

### مقاومت بر علیه تعدیل ساختاری

ابتدا باید بگویم، مطبوعات غربی به ندرت به این‌گونه مقاومت‌ها اشاره می‌کنند، اما، اگر اشاره‌ای هم بکنند آنها را به حساب آثار مثبتی‌ها و دانشجویان «احساساتی» و «ثروت‌مند» می‌گذارند، و این تصور را بوجود می‌آورند. که انگار برای خالی نبودن عریضه به این فعالیت‌ها دست می‌زنند. ولی خواهیم دید که این تصویر بر واقعیت آن چه در جهان و بخصوص در جهانی پیرامونی می‌گذارد منطبق نیست. واقعیت این است که در برابر سیاست‌هایی که قربانیان اصلی‌اش فقرا، کودکان و زنان در دنیای پیرامونی‌اند، شمار روزافزونی برای مقابله با آن بسیج می‌شوند. شرکت‌کنندگان اصلی شورش‌های تعدیل ساختاری، معلمان، کارمندان دولت، دهقانان، کشیش‌ها، دانشجویان، اطباء، رهبران و فعالان نهضت‌های کارگری و گروه‌های زنان، می‌باشند که با شرکت در این شورش‌ها از دولت‌های خویش می‌خواهند که اجرای برنامه‌های تحمیلی صندوق بین‌المللی پول که همه زندگی‌شان را به مخاطره انداخته است، متوقف نمایند.

جالب است که اگر چه این شورش‌ها مورد توجه سیاست‌پردازان صندوق و بانک جهانی قرار نگرفت [و نمی‌گیرد] اما، آنان از کوشش برای مقابله با این شورش‌ها غفلت نکرده‌اند. در جلسه‌ی سالانه ۱۹۹۹ امکانات گسترش یافته تعدیل ساختاری [ESAF] که مسئول وام دهی به ۸۰ کشور جهان است تغییر نام یافته و بی‌آنکه منضموش تغییر نماید، به امکانات رشد و کاستن از فقر [PRGF] تغییر نام داده شد. البته قرار بر این شد که استراتژی کاستن از فقر در مشاوره با جامعه‌ی مدنی تدوین شود. ولی برخلاف وعده‌ها، شواهد تاکنونی نشان می‌دهد که شرایط PRGF تقریباً موهبه موهمان شرایط پیشین صندوق بین‌المللی پول است که نام دیگری یافته است

و استراتژی کاستن از فقر نیز چیزی به غیر از همان استراتژی تعدیل ساختاری قدیمی نیست. به سخن دیگر، ممکن است نام برنامه‌های صندوق تغییر یافته باشد ولی منطق و فلسفه اقتصادی این برنامه‌ها دست نخورده مانده است. همانند گذشته وام گرفتن از صندوق بین‌المللی پول بدون پذیرفتن انجام برنامه‌ی تعدیل ساختاری غیرممکن است و هنوز، هم‌چنان دسترسی یافتن به منابع مالی دیگر نیز به تأیید صندوق نیازمند است که بدون پذیرش انجام رفرمهای تئولبرالی چنین تأییدیه‌ای صادر نخواهد شد. ایراد اصلی به برنامه‌ی تعدیل ساختاری و تحمیل این استراتژی از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول این است که از دولتها این امکان را می‌گیرد که براساس شرایط خاص خویش دست به سیاست‌پردازی بزنند. این در حالیست که دولتها هم‌چنان در برابر مردم مسئولیت ارایه خدمات اجتماعی را برعهده دارند، ولی براساس رهنمودهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، و در پی کاهش بودجه دولت و یا پذیرش پرداخت بهره‌ی بدهی‌ها، که روند افزایش یابنده داشته است، از عهده این کار برنمی‌آیند. بدیهی است که اجرای این سیاست‌ها در کشورهای پیرامونی، به یکی از مضامین عمده‌ی این جوامع - یعنی عدم مشروعیت دولتها - دامن می‌زند و آن را تشدید می‌کند. وقتی دولتها نمی‌توانند در راستای منافع اکثریت مردم سیاست‌پردازی نمایند و در شرایطی که خصلت عمیقاً ضد دموکراتیک این استراتژی امکان هر گونه گفتگو و دیالوگی را نیز از بین می‌برد، در آن صورت، برای شهروندان به غیر از شورش، بدیل دیگری باقی نمی‌ماند. برای این که این نکته در چارچوب تاریخی و جغرافیایی خود قرار بگیرد، به مواردی از این نوع مقاومت‌ها اشاره می‌کنم. باید بگویم که این لیست و توضیحات آمده کامل نیست<sup>(۱)</sup>.

### الجزایر: اکتبر ۱۹۸۸

بیش از ۲۰۰ تن از تظاهرکنندگان که بر علیه افزایش قیمت‌ها و بیکاری ناشی از برنامه تعدیل ساختاری دست به اعتراض زده بودند به قتل رسیدند.

### بنین: ژانویه - ژوئن ۱۹۸۹

دانشجویان دانشگاه کوتونو (Cotonou) دست به اعتصاب زده، دانشگاه را برای ۶ ماه فلج کردند. علت اعتصاب و تظاهرات عدم پرداخت کمک هزینه‌های دانشگاهی برای چندین ماه و برنامه دولت برای قطع کامل این کمک هزینه‌ها در ۱۹۸۹ به عنوان بخشی از اصلاحات تعدیل ساختاری بود. معلمان در آوریل دست به اعتصاب زده خواهان پرداخت حقوق عقب مانده خود که برای ۴ ماه پرداخت نشده بود، شدند. آنها هم چنین خواهان آن بودند که دولت از اجرای تصمیم خود مبنی بر کاهش حقوق آنها به میزان ۵۰ درصد، به عنوان بخشی از برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول، صرفنظر کند، بدون قید و شرط همه معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان زندانی را آزاد کرده و ۴۰۱ معلم را که در پی اعتصاب مارچ از کار اخراج کرده بودند به شغل سابقشان برگرداند.

### بولیوی: مارچ ۱۹۸۵

اتحادیه‌های کارگری اعتصاب سراسری فراخواندند که از سوی بسیاری از کارگران کشاورزی مورد حمایت قرار گرفت. علت اعتصاب این بود که دولت به عنوان بخشی از رفرم‌های تعدیل، قیمت موادغذایی و نفت را به مقدار بسیار زیادی افزایش داده بود. ارتش و نیروهای ضد شورشی فراخوانده شدند. اتحادیه‌های کارگری پیشنهاد دولت را برای افزایش مردها و افزایش میزان حداقل دستمزد به بیش از ۴ برابر پذیرفتند.

با وجود تظاهرات و درگیری‌های ولی دولت به اجرای برنامه‌های تعدیل ادامه داد. در سپتامبر ۱۹۹۸، به دولت بولیوی ۱۳۸ میلیون دلار وام اعطا شد تا «بقیه شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار نماید»؛ این برنامه خصوصی کردن فروش سازمان آب را هم شامل می‌شد. در فوریه ۲۰۰۰، صندوق یک وام دیگر به مبلغ ۴۶/۱ میلیون دلار در اختیار دولت گذاشت. از آنجا که میزان بدهی بولیوی در این زمان به حدی رسیده بود که دیگر قابل بازپرداخت نبود و این کشور در لیست کشورهای فقیر به شدت بدهکار قرار گرفته بود، مشمول برنامه کمک به کشورهای فقیر به شدت بدهکار [HIPC] واقع شد و علاوه بر این وامها، ۱/۳ میلیارد دلار کمک‌های دیگر نیز در اختیار آن قرار گرفت، به شرط آنکه «برنامه‌های تعدیل ساختاری را ادامه دهد». در دسامبر ۱۹۹۹ و ژانویه ۲۰۰۰ که مدت زیادی از خصوصی کردن سازمان آب نمی‌گذشت، بهای آب در شهر کوچلابامبا که سومین شهر بزرگ بولیوی است، ۲۰۰ درصد افزایش یافت که به تظاهرات اعتراضی گسترده‌ای منجر شد. وضعیت اقتصادی به حالتی درآمد که متوسط هزینه‌ی آب معادل ۲۲ درصد درآمد ماهیانه مردان و یا ۲۷ درصد درآمد ماهیانه زنان کارگر شد. ماهیانه زنان کارگر شد.

ژانویه ۲۰۰۰ تظاهرات گسترده در اعتراض به افزایش بهای آب برای ۴ روز شهر را کاملاً تعطیل کرد و در پی آمد آن، دولت وعده داد که افزایش قیمت آب را متوقف نماید. ولی در عین حال، در فوریه ۲۰۰۰ روشن شد که بخاطر تعهداتی که در برابر صندوق بین‌المللی پول به عهده گرفته است، دولت نمی‌تواند به وعده وفا کند. در تظاهراتی که در گرفت، ۱۷۵ نفر زخمی شدند و ۲ نفر بینائی خود را از دست دادند. دولت یک بار دیگر وعده داد که جلوی افزایش بهای آب را حداقل تا نوامبر ۲۰۰۰ بگیرد. تا آوریل ۲۰۰۰، بهای آب هیچ تغییری نکرد. این امر سبب شد که علاوه بر شهرنشینان، برای اولین بار، تقریباً ۱۰۰۰ تن از دهقانان نیز در اعتراض به خصوصی کردن آن در مناطق روستایی به تظاهرات به پیوندند. تظاهرکنندگان در سرتاسر شهر ایجاد راه‌بندان کردند و کار به خشونت و درگیری کشیده شد. سرانجام، دفتر شهرداری از سوی تظاهرکنندگان اشغال شد. هوگو بانزر رئیس جمهور بولیوی، در عکس العمل به اوضاع، حالت فوق‌العاده اعلام کرد و حکومت نظامی برقرار شد. رهبران شورشی دستگیر شدند و به جای استفاده از گلوله‌های پلاستیکی، به نیروهای پلیس گلوله‌های واقعی داده شد. براساس یک گزارش، در تظاهرات بر علیه افزایش بهای آب، ۸ نفر کشته شدند و تنها پس از آن بود، که دولت امتیاز اعطا شده به شرکت‌های چندملیتی که سازمان آب را در اختیار داشتند را لغو کرد. در شهر لویاز نیز تظاهرات گسترده‌ای انجام گرفت که ۳۰ تن زخمی شدند و حداقل ۱۱ دانشجو دستگیر شدند. در عین حال، مستقل از این درگیری‌ها، در پایتخت، صدها تن از عناصر پلیس برای افزایش حقوق خویش دست به اعتصاب زدند.

### اکوادور: ۱۹۸۷

دانشجویان تظاهرکننده بر علیه برنامه تعدیل ساختاری دولت در کوئیتو (ظغض خ ج) با نیروهای ضدشورش پلیس درگیر شدند (اکتبر ۱۹۸۷). کارگران با بمب‌های آتش‌زا به یک بانک حمله برده و در یک اعتصاب سراسری یک روزه با آتش زدن لاستیک اتومبیل خیابان‌ها را بند آوردند. (ژوئن - اگوست ۱۹۹۹). یک ائتلاف گسترده از سازمان‌های جامعه‌ی مدنی به رهبری دهقانان بومی، لغو سیاست‌های ریاضت‌طلبانه که در نتیجه‌ی مداخله اضطراری صندوق بین‌المللی پول - پس از مصیبت طوفان بزرگ - بر کشور تحمیل شد را از دولت خواستار شد. عدم ثبات ناشی از این تظاهرات، موجب بی‌ثباتی بیشتر دولت شد (ژانویه ۲۰۰۰). تأخیر در مذاکره بین دولت و صندوق بین‌المللی پول موجب شد که دولت امکانات لازم برای حل مشکلات پیش آمده را در اختیار نداشته باشد. در برخورد با بحران اقتصادی و بی‌ثباتی اجتماعی، جمیل مهوآز رئیس جمهور در اعلام حالت فوق‌العاده کرد. دلیل اصلی ناآرامی‌ها این بود که در حالی که رشد اقتصادی به میزان ۷ درصد پائین آمده بود، قیمت‌ها بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته بودند. پول محلی، سوکره [sucre] ۱۲ درصد ارزش خود را در برابر دیگر واحدهای پولی از دست داد. در ۱۰ ژانویه، لارنس سامرز وزیر خزانه‌داری امریکا اعلام کرد که امریکا از اکوادور پشتیبانی خواهد کرد و کلبنتون در یک محاوره تلفنی با مهوآز حمایت امریکا را از دولت وی به اطلاع او رسانید. سامرز ضمن بیان این که ثبات اکوادور به نفع امریکاست اعلام کرد که هیئتی از سوی صندوق بین‌المللی پول به احتمال زیاد از اکوادور دیدن خواهد کرد. در کوئیتو، فرماندهان ارتش برای مقابله با شایعات مبنی بر کودتای قریب‌الوقوع بر علیه مهوآز، از دولت او رسماً پشتیبانی کردند و در بیانیه خویش نوشتند که «ما هر گونه کوشش برای شکستن حریم قانونیت و مشروعیت را محکوم می‌کنیم» و «اعتقاد داریم که باید در چارچوب قانون اساسی و دموکراتیک برای حل مشکلات کوشید». در ۱۵ ژانویه، بیش از ۴۰۰۰۰ تن از بومی‌های اکوادور برای مقابله با سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول به مدت یک هفته اعلام تظاهرات کرده به سوی پایتخت و شهرهای بزرگ دیگر دست به راه‌پیمائی زدند. دولت با اعزام ۳۵۰۰۰ سرباز و گارد ضد شورش کوشید جلوی تحرک مردم را بگیرد. عمده‌ترین خواسته‌های تظاهرکنندگان به این قرار بود:

- رئیس جمهور باید استعفا بدهد.

- سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول از جمله دلاری کردن اقتصاد و بی‌ثباتی باید متوقف شود.

در ۲۲ ژانویه، بیش از ۳۰۰۰ تن در کوئیتو تظاهرات کرده، خواستار لغو برنامه‌های ریاضت‌طلبانه و سرکار آمدن دولتی مسئول‌تر شدند. پس از اشغال ساختمان پارلمان و توافق با اعضای مؤثر ارتش، این شایعه قوت گرفت که کودتائی در شرف انجام است. تظاهرکنندگان هم‌چنین دادگاه عالی اکوادور را نیز به اشغال خویش در آوردند. در گویاکوئیل دومین شهر بزرگ اکوادور، در برخورد بین تظاهرکنندگان و نیروهای امنیتی به خشونت کشید و تعداد کثیری زخمی شدند. تظاهرکنندگان مدعی بودند که دولت خیال دارد با جمع‌آوری پول محلی، اقتصاد را بطور

کامل دلاری نماید که نتیجه اش فقیرتر شدن مردم خواهد بود. در میان این همه درگیری‌ها، کاخ سفید و واشنگتن در اعلامیه‌ای که صادر کرد کار «اشغال پارلمان و کوشش برای ایجاد حکومتی غیر مشروع» را شناسایی محکوم کرد. مدت زیادی نمی‌گذرد که مهوادی از کاخ ریاست جمهوری فرار می‌کند و ارتش قدرت دولتی را به دست می‌گیرد. خیانت فرمانده کل ارتش ولی، باعث می‌شود که به جای یک دولت آشتی ملی - معاون رئیس جمهور، گوستاوو نوبوا، به قدرت برسد، رهبران شورشیان با انتصاب نوبوا به ریاست جمهوری مخالفت کردند چون معتقد بودند که او نوکر گوش به فرمان صندوق بین‌المللی پول و امریکاست. یکی از رهبران شورشیان، آنتونیووار کاس، ادعا می‌کند که به قدرت رسیدن نوبوا تحت فشار واشنگتن بوده است. به اشاره بگویم که به گفته پروفیسور رابین هاهنل، مشاور امنیتی کلیتون به فرمانده ارتش تلفن زد و به او اطلاع داد که «دولت آمریکا هرگز دولت جدید را به رسمیت نخواهد شناخت و اکوادور نیز روی صلح نخواهد دید مگر این که فرماندهان نیروهای نظامی از ریاست جمهور شدن معاون رئیس جمهور پیشین حمایت کنند، کسی که باید به رفرمهای نئولیبرالی ادامه بدهد»<sup>(۸)</sup> چند ساعت بعد فرماندهان قوای سه گانه ارتش اعلامیه داده و ریاست جمهوری معاون پیشین را تأیید کردند و او هم به نوبه خود وعده داد که دلاری کردن اقتصاد را ادامه بدهد. رهبران شورشی مخفی شدند. در مارچ ۲۰۰۰، برای اخذ وام از صندوق بین‌المللی پول دولت قوانین تازه‌ای تصویب کرد که از جمله می‌توان به رفرم بازار کار، و بخش مالی و هم‌چنین تسریع برنامه‌ی خصوصی کردن و بالاخره دلاری کردن کامل اقتصاد اشاره نمود. در ماه آوریل، صندوق بین‌المللی پول با پرداخت یک وام موقت ۳۰۴ میلیون دلاری به اکوادور موافقت می‌کند. در نتیجه این توافق (به سخن دیگر بخاطر تأییدیه ضمنی صندوق بین‌المللی پول) دولت اکوادور می‌تواند ۱.۷ میلیارد دلار از وام‌دهندگان دیگر نیز قرض بگیرد، ولی در توافق‌نامه‌ی بین صندوق و دولت اکوادور آمده است:

«برنامه رفرم بسیار گسترده است و اجرای موفقیت‌آمیزشان به پشتکار زیاد از سوی دولت، حمایت کنگره، و مردم نیازمند است.» علاوه بر دلاری کردن اقتصاد، سطح مرزها باید کنترل شده و یارانه‌ها حذف شود. «باید بازار کار، بخش نفت و شرکت‌های دولتی خصوصی شده و در آنها رفرم ساختاری و اساسی صورت بگیرد. ضمن منعطف‌تر کردن بازار کار، باید به بخش خصوصی نقش بیشتری در اقتصاد داده شود. و بعلاوه، دولت باید تعهد نماید که هر گونه کنترل بر روی قیمت‌های الکتریسیته و مواد سوختنی را تدریجاً لغو نماید. برای تکمیل این برنامه اصلاحی، آزادسازی تجارت نیز ضروری است.»

در ماه مه ۲۰۰۰، اتحادیه سراسری معلمان در اعتراض به کاستن از هزینه‌های آموزشی و حقوق معلمان برای ۵ هفته دست به اعتصاب می‌زند. نوبوا اعلام می‌کند که «من آماده‌ام که تا هر زمانی که لازم باشد با اعتصاب مقابله کنم. اگر می‌خواهند برای یک سال اعتصاب کنند، بکنند. انجام تقاضاهایشان برای ما عملی نیست.» نیروهای ضد شورش با استفاده از گاز اشک‌آور تظاهرات معلمان را درهم شکستند. در ژوئن ۲۰۰۰، نوبوا طبق فرمانی، همه کسانی را که در کودتای ژانویه شرکت کرده بودند عفو می‌کند و دلیل این امر را نیز کوشش برای تأمین صلح در اکوادور می‌داند. هم زمان ولی براساس توافق با صندوق بین‌المللی پول یارانه پرداختی به بنزین لغو می‌شود و قیمت بنزین به شدت افزایش می‌یابد. رئیس جمهور ادعا می‌کند، «در چارچوب آنچه که صندوق بین‌المللی پول برای ما تعیین کرده است کوشیدیم منافع مردم اکوادور را حفظ کنیم». در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ اعتصاب سراسری در اعتراض به برنامه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول سراسر کشور را در برمی‌گیرد. علاوه بر کارگران، معلمان، و کارمندان دولت، بیش از ۳۰۰۰۰ دکتر نیز برای ۷۲ ساعت به اعتصاب می‌پیوندند. به گزارش تایمز مالی در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۰، در ملاقاتی که بین توماس پیکیرینگ یکی از مدیران ارشد وزارت امور خارجه امریکا و سیزار گاویریا، رئیس سازمان دولت‌های قاره امریکا و نوبوا صورت گرفت از او خواستند که شماری از افسران ارتش را به خاطر شرکت در کودتای ژانویه به مجازات برساند و در ضمن، در یک اعلامیه عمومی، از ارتشیان خواستند که در حفظ قانون اساسی کوشا باشند. با این همه، در ۷ اوت ۲۰۰۰ ضمن بررسی لایحه دلاری کردن اقتصاد در کنگره بین نمایندگان زد و خورد می‌شود ولی لایحه‌ی پیش گفته سرانجام به تصویب می‌رسد. ناراضی‌تای ولی هم‌چنان ادامه پیدا می‌کند. نوبوا می‌کوشد با جلب حمایت ارتشیان کنگره را تعطیل نماید ولی ارتشیان از این تصمیم او پشتیبانی نمی‌کنند. در سپتامبر ۲۰۰۰، اکوادور رسماً دلار را به عنوان واحد پولی خود اعلام می‌کند. صندوق بین‌المللی پول در بیانیه‌ای این اقدام اکوادور را ستوده و ادعا می‌کند که بازارهای مالی آرام‌تر شده‌اند، ولی آنچه در داخل کشور اتفاق می‌افتد، بحران و هرج و مرج اقتصادی است. در بسیاری از مناطق، معاملات متوقف شده است چون مردم به اندازه کافی دلار و سکه‌های ریزتر امریکائی ندارند که بتوانند معاملات را تکمیل نمایند.

## جامائیکا - ژانویه ۱۹۸۵

تظاهرات گسترده بر علیه تصمیم دولت برای افزایش قیمت مواد سوختنی که طبق برنامه تعدیل ساختاری که در ۱۹۸۲ با وام بانک جهانی آغاز شد، صورت گرفت.

## اردن - آوریل ۱۹۸۵

تظاهرات گسترده‌ای بر علیه افزایش قیمت موادغذایی در مناطق جنوبی اردن، اندکی پس از اعلام برنامه تعدیل ساختاری، انجام گرفت. در این تظاهرات، حداقل ۵ تظاهر کننده به دست پلیس به قتل رسیدند.

## اوت ۱۹۹۶

وقتی که صندوق بین‌المللی پول خواستار یارانه‌ها شد - امری که سبب شد قیمت نان سه برابر افزایش یابد - در کاراک و دیگر شهرهای جنوبی اردن شورش‌های گسترده‌ای صورت گرفت. وقتی پارلمان اردن افزایش قیمت‌ها را تصویب نکرد، به دستور ملک حسین پارلمان منحل شد. شعارهای اعتراضی شرکت‌کنندگان در این شورش‌ها، از جمله بر علیه وزارت آموزش و پرورش بود، چرا که در نتیجه اجرای برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول شهریه مدارس به شدت افزایش یافته بود.

## برزیل:

در نوامبر ۱۹۹۸، صندوق بین‌المللی پول یک وام موقت ۱۸ میلیارد دلاری در اختیار برزیل قرار داد. در پنجمین ارزیابی خود از دست‌آوردهای رفرم اقتصادی در برزیل، صندوق از وضعیت برزیل «اظهار رضایت» کرد ولی در عین حال، از دولت خواست که به خصوصی کردن و کنترل‌زدانی از قیمت‌ها و رهاسازی تجارت خارجی ادامه بدهد. در آوریل ۲۰۰۰، تریبونوی که برای بررسی بدهی‌ها خارجی در ریودوژانیرو فعالیت می‌کند ادعا کرد که «سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول برای برزیل فاجعه‌آمیز بوده و باعث بیشتر شدن بدهی خارجی کشور شده است، در حالی که، هزینه‌های اجتماعی کاهش یافته است. آنها که هزینه این بدهی بیشتر را می‌پردازند، کودکان، کارگران روستا، سیاه‌پوستان، و مدافعان بهداشت محیط‌زیست می‌باشند. در سپتامبر ۲۰۰۰ یک سازمان مذهبی یک فراندیم غیر رسمی را سازمان داد که آیا برزیل باید رفرمهای پیشنهاد صندوق را متوقف کند یا خیر؟ بیش از یک میلیون نفر که در این همه‌پرسی شرکت کرده بودند خواهان توقف این رفرمها شدند.

## کلمبیا:

در سپتامبر ۱۹۹۹، صندوق بین‌المللی پول پرداخت یک وام ۲.۷ میلیارد دلاری به کلمبیا را برای حمایت از برنامه تعدیل ساختاری دولت تصویب می‌کند که از جمله شامل، واگذاری مؤسسات دولتی به بخش خصوصی عمدتاً از طریق خصوصی کردن و کاستن از هزینه‌های دولتی است. در بررسی سالانه این موافقت‌نامه، صندوق از ادامه بهبود وضع اقتصادی در کلمبیا اظهار خوشوقتی می‌کند، اگر چه وضعیت سیاسی و امنیتی کشور در این زمان بسیار چالش‌آمیز به نظر می‌رسد. به عقیده صندوق، اگر قرار است ورود سرمایه خارجی به کشور ادامه یابد، با این مسائل باید بطور جدی برخورد شود.

در اوت ۲۰۰۰، بیش از ۱۵۰۰۰ تن از کارگران در اعتراض به سیاست‌های ریاضت‌طلبانه تحمیل شده از سوی صندوق که بوسیله رئیس جمهور اندرس پاسترانا اجرا می‌شود، دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. لازم به یادآوری است که در میان کشورهای آمریکای لاتین، میزان بیکاری در کلمبیا بیش از ۲۰ درصد از دیگر کشورها بیشتر است. وقتی دولت جزئیات بودجه خود را برای سال ۲۰۰۱ اعلام کرد معلوم شد که حداقل ۵۰۰۰ نفر دیگر باید از بخش دولتی بیکار شوند و میزان افزایش مزد باید کمتر از میزان تورم باشد. چون دولت می‌خواهد به کاستن از هزینه‌های عمومی ادامه بدهد، به کارگران بیکار شده هم هیچ مبلغی به عنوان پیش خرید پرداخت نخواهد شد. پیش شرط‌های دیگر وام ۲/۷ میلیارد دلاری صندوق از جمله شامل باز کردن بیشتر اقتصاد به سوی بخش خصوصی، خصوصی کردن شرکت‌های دولتی و کاستن از هزینه‌های دولتی است.

## کستاریکا:

در ۱۹۹۵، صندوق بین‌المللی پول به شرط بیشتر کردن سهم شرکت‌های خصوصی در بخش‌هایی که در انحصار شرکت‌های دولتی است، یک وام موقت ۷۸ میلیون دلاری در اختیار دولت قرار داد.

بعلاوه، در عرصه‌هایی چون تولید الکتریسیته، بیمه و بانکداری، باید سهم سرمایه‌گذاران خارجی بیشتر شود. در ارزیابی سالانه از وضعیت اقتصاد کستاریکا در ۱۹۹۹، صندوق از دولت خواست که به تصویب پیش‌نویس لایحه‌ای مبنی بر رهاسازی بازار الکتریسیته، تلفن و تلگراف و بیمه ارجحیت بدهد. کستاریکا که اغلب به عنوان «سوئیس آمریکای لاتین» از آن نام می‌برد، نه فقط یک حکومت به نسبت دموکراتیک دارد بلکه از امکانات رفاه دولتی بالایی برخوردار است و برخلاف اغلب کشورهای منطقه، گرفتار درگیری‌های داخلی نیست. ولی رفرفرم‌های بازار گرا که با فشار صندوق بین‌المللی پول به اجرا درآمده است، دموکراسی و وضعیت صلح‌آمیز کشور را به مخاطره انداخته است. از زمانی که پارلمان لایحه‌ای مبنی بر خصوصی کردن الکتریسیته را به تصویب رسانید، اعتصابات گوناگون و تظاهرات متعددی صورت گرفته است. شرکت دولتی الکتریسیته به عنوان نماد دولت رفاه در کستاریکا است و به گمان بسیاری از فعالان سیاسی، خصوصی کردن آن به راحتی می‌تواند سرآغاز خصوصی کردن دیگر مؤسسات دولتی باشد. اگر چه دولت می‌خواهد که بانک‌ها و شرکت‌های بیمه را خصوصی کند ولی همه چیز به موفقیت شرکت دولتی الکتریسیته بستگی دارد. در مارچ ۲۰۰۰ وقتی که لایحه‌ای برای تعیین جزئیات شرکت دولتی الکتریسیته به پارلمان عرضه شد و مورد بحث و مذاکره قرار گرفت، تظاهرات گسترده‌ای در کشور صورت گرفت. در طول تظاهرات ۱۶ مارچ ۲۰۰۰، در اوچوموگو، یک نفر به قتل رسید و ۵ تن دیگر زخمی شدند. حداقل ۵۰ تن از دانشجویان تظاهرکننده دستگیر شدند. در پرزولدون، ۵ تظاهرکننده مورد اصابت گلوله قرار گرفته و زخمی شدند و ۳۰ نفر از اعضای پلیس مورد اصابت سنگ و آجر تظاهرکنندگان قرار گرفتند. تعداد زیادی از دانشجویان دستگیر شدند. به گفته پلیس در ۲۱ مارچ، ۲۰۰۰ بیش از ۴۰ مورد تظاهرات در کشور در اعتراض به سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول رخ داد. در ۲۲ مارچ ۲۰۰۰، بیش از ۱۰۰۰۰ نفر به طرف کاخ ریاست جمهوری به راهپیمایی پرداخته و خواستار پس گرفتن لایحه برای خصوصی کردن الکتریسیته شدند. در برخوردی که بین دانشجویان و پلیس در شهر سان خوزه در گرفت بیش از ۵۰ تن از دانشجویان دستگیر شدند. براساس یک پژوهش که بوسیله محققان دانشگاه کستاریکا انجام گرفت، معلوم شد که تنها ۲۰ درصد از مردم از خصوصی کردن الکتریسیته حمایت می‌کنند در حالی‌که ۵۳ درصد از مردم با آن مخالفاند. بعلاوه، ۹۲ درصد از مردم معتقدند که می‌باید از پیش با آنها تبادل نظر می‌شد و ۸۴ درصد از مردم هم‌خواهان انجام یک فرآیند برای این منظور هستند.

### افریقای جنوبی:

در بررسی سالانه خود از اقتصاد افریقای جنوبی در سال ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول از «میزان بسیار چشمگیر بیکاری» سخن می‌گوید و از دولت می‌خواهد که با تشدید رفرفرم ساختاری، تشویق سرمایه‌گذاری داخلی و جلب سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر و بهبود کاردهی به این مشکل توجه نماید. و البته تعجبی ندارد که راه رسیدن به این اهداف از دیدگاه صندوق «اجرای سریع‌تر و عمیق‌تر رفرفرم‌ها (به ویژه رفرفرم بازار کار)، رهاسازی تجارت و خصوصی کردن» است. در فوریه ۲۰۰۰ کنگره سراسری اتحادیه کارگری افریقای جنوبی در اعتراض به بیکاری زیاد و روز افزون و هم‌چنین برنامه‌های دولت برای رفرفرم بازار کار اعلام اعتصاب کرد. قرار شد این اعتصابات به مدت ۵ هفته ادامه یابد و بخش‌های مختلف اقتصاد را در برگیرد. اولین بخش اعتصاب کننده، کارگران صنایع اتومبیل سازی بودند بعد، کارگران نساجی و در نهایت، هم کارمندانی که برای مؤسسات دولتی کار می‌کنند. از زمان سقوط نظام آپارتاید در ۱۹۹۴، این کنگره سراسری نقش برجسته‌ای در تدوین قوانین کار که حامی حقوق کارگران است داشت. ولی پس از توافقی که بین دولت و صندوق بین‌المللی پول صورت گرفت، دولت کوشید ضمن کنترل شدید افزایش مزد، برای جلب سرمایه خارجی، انعطاف‌پذیری بازار کار را افزایش بدهد. اگر چه مدافعان دولت و مدافعان برنامه‌ی تعدیل از سیاست معقول اقتصادی سخن می‌گویند ولی برخلاف ادعای صندوق، نه تنها فرصت اشتغال بیشتر ایجاد نشده است بلکه، میزان بیکاری هر روزه بیشتر می‌شود. در اواسط سال ۲۰۰۰، برآورد میزان بیکاری ۳۵ درصد بود. در آوریل ۲۰۰۰ تظاهرکنندگان ساختمانی را که مسئولان دولت و صندوق با هم در حال مذاکره بودند محاصره کردند. یکی از تظاهرکنندگان گفت: «بخش عمده‌ای از قرض افریقای جنوبی در دوره‌ی دولت آپارتاید برای خرید اسلحه‌ای که با آن ما را سرکوب می‌کردند، گرفته شد. یعنی ما، دو بار داریم تاوان پس می‌دهیم. یک بار، جانمان را می‌دادیم و اکنون، هم با منابعی که باید صرف فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه بشود، به جای ساختن کلینیک‌های بهداشتی، دولت دارد همه باغ‌های وحش و کتابخانه‌ها را به بخش خصوصی می‌فروشد برای این که صندوق بین‌المللی پول را راضی کرده باشد.»

### هندوراس:

در تحت برنامه امکانات رشد و کاستن از فقر، صندوق بین‌المللی پول در ژوئن ۲۰۰۰ با اعطای وامی به مبلغ ۱۸ میلیون دلار موافقت کرد. صندوق از مسئولان دولت هندوراس می‌خواهد که «سرعیاً برنامه رفرفرم ساختاری، به ویژه، خصوصی کردن سازمان تلفن و تلگراف و توزیع برق را آغاز نمایند. هم چنین نظام بازنشستگی و بیمه‌های اجتماعی را نیز اصلاح کند». در ژوئیه ۲۰۰۰، در تحت برنامه امکانات گسترش یافته برای کمک به کشورهای فقیر به شدت مقروض، ۹۰۰ میلیون دلار از بدهی خارجی هندوراس مشمول بخشیدگی شد. علت این بخشودگی هم، موفقیت دولت در اجرای سیاست‌های رفرفرم ساختاری اعلام می‌شود. در همین ماه، ولی زنجیره‌ای از اعتصابات که خواستار پایان بخشیدن به کاهش بودجه دولت بودند سرتاسر کشور را فراگرفت. در ۱۲ ماه مه، ۸۰۰۰ تن از کارگران بیمارستان که در ۲۸ بیمارستان‌ها و ۵۰۰ کلینیک کار می‌کردند برای اضافه حقوق دست به اعتصاب می‌زنند. پلیس ضد شورش بیمارستان‌ها را اشغال می‌کند. در ۲۶ ژوئن هزارها کارگر در یک اعتصاب سراسری برای افزودن بر میزان حداقل مزد شرکت می‌کنند. اعتصاب کنندگان اکثر جاده‌های اصلی را می‌بندند و شرکت دولتی بنادر و چند تولیدی عمده موز را تعطیل می‌کنند. در ۲۷ ژوئیه هزارها معلم در اعتراض به عدم دریافت حقوق از فوریه ۲۰۰۰ دست به اعتصاب و تظاهرات می‌زنند که یک میلیون شاگرد مدرسه را در برمی‌گیرد. در اوت ۲۰۰۰، اعتراض به سیاست‌های تحمیلی صندوق بین‌المللی پول به صورت یک اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته در می‌آید. دولت می‌خواهد صنایع برق، تلفن و تلگراف، هم‌چنین سازمان بیمه‌های اجتماعی را در راستای انجام خواسته‌های صندوق به بخش خصوصی واگذار نماید. اعتصاب سراسری باعث اختلال نظام آموزش و پرورش، حمل و نقل و خدمات بهداشتی شد. ۶۰۰۰۰۰ تن از دانشجویان دانشگاهها نیز به اعتصاب سراسری پیوستند و اغلب راههای اصلی مسدود و خدمات بیمارستانها متوقف شد.

### پاراگوئه:

در ارزیابی سالانه اقتصادی خود از پاراگوئه، صندوق بین‌المللی پول از دست‌آوردهای دولت به شدت انتقاد کرد. به عقیده صندوق، عملکرد دولت در اجرای رفرفرم‌های ساختاری ضروری ناموفق بوده است. اگر چه آنها در کم می‌کنند که چرا باید رفرفرم‌های ساختاری براساس ارجحیت‌ها به اجرا در بیایند، ولی میزان حداقل مزد در پاراگوئه در مقایسه با دیگر کشورهای بسیار بالاست و بعلاوه، عدم انعطاف موجود در قوانین کار کشور، به ویژه وقتی که درهای اقتصاد کشور به روی جهان باز شود بسیار دست و پاگیر خواهد شد. در نتیجه، به عقیده صندوق، رفرفرم قانون کار باید در اسرع وقت در دستور کار دولت قرار بگیرد.

در ژوئن ۲۰۰۰، بین تظاهرکنندگانی که بر علیه رفرفرم‌های غیرقابل بحث صندوق بین‌المللی پول به خیابانها ریخته بودند و پلیس شورش‌ی درگیری شدیدی رخ داد. تظاهرکنندگان برای اعتراض به برنامه دولت برای خصوصی کردن اداره تلفن، آب و راه‌آهن، یک اعتصاب سراسری ۴۸ ساعته فراخواندند. در آئنسیون، ۲۰ تن زخمی شده و تعداد زیادی دستگیر شدند. تظاهرکنندگان در یک ایستگاه اتوبوس، دو اتوبوس را به آتش کشیدند. تقریباً نصف مغازه‌های پایتخت در اعتراض به سیاست دولت تعطیل می‌شود. چون تظاهرکنندگان خیابانها و محل تردد وسایل نقلیه عمومی را بند آورده بودند، مسافران بوسیله کامیون‌های ارتشی جابجا می‌شدند. سخن‌گوی ریاست جمهوری اعلام کرده است که اجرای این سیاست‌ها قابل مذاکره نیست چون دولت برای این که بتواند از ۴۰۰ میلیون وام بانک جهانی استفاده کند، راهی غیر از اجرای این سیاست‌ها ندارد.

### کنیا:

از ژوئیه ۲۰۰۰ صندوق بین‌المللی پول پرداخت وام به کنیا را از سر گرفت و در تحت برنامه امکانات رشد و کاستن از فقر ۱۹۸ میلیون دلار به کنیا وام داد. توافق صندوق به از سرگرفتن اعطای وام و پرداخت این وام ۱۹۸ میلیون دلاری، در واقع، تأکیدی بود بر این که دولت نیز برنامه خود را برای مقابله با بی‌ثباتی مالی و رشد کم از سر گرفته است. برنامه‌های دولت شامل، رفرفرم‌های اقتصاد کلان و ساختاری، رفرفرم ادارات دولتی و خصوصی کردن است. در ماه‌های آوریل و مه ۲۰۰۰، تظاهراتی که بر علیه پیش شرط‌های تحمیلی صندوق و هم چنین برای لغو بدهی خارجی در نایروبی صورت گرفت با حمله پلیس به خشونت گرائید و ۶۳ نفر از جمله ۱۳ راهب و ۲ کشیش دستگیر شدند. در اوت ۲۰۰۰ وضع به حدی خراب شد که حتی داد دانیل عربومی، رئیس جمهور کنیا، هم در می‌آید. به گفته‌ی او، «شرایط صندوق بین‌المللی پول برای کنیا، بسیار دست و پا

گیرند. ما در ۹ سال گذشته، همه تعهدات مان را در خصوص بدهی خارجی مان انجام داده‌ایم ولی تاکنون، منفعتی نصیب ما نشده است. بدون تردید رشد اقتصادی ما به خاطر این شرایط دست و پا گیر کمتر خواهد شد. این دست و پا گیرترین شرایطی است که تاکنون بر کنیا تحمیل شده است.» سخن‌گوی صندوق بین‌المللی پول و مشاور ارشد آن در آفریقا، حوزه فاجباتوم می‌گوید که این ادعا که پیش شرط‌های صندوق برای کنیا حاکمیت ملی آن را خدشه‌دار کرده است، به مبالغه آلوده است. این پیش شرط‌ها طبیعی‌اند و همان پیش شرط‌هایی است که در گذشته نیز از کنیا خواسته شد.

### ملاوی:

در اکتبر ۱۹۹۹، صندوق بین‌المللی پول در تحت پوشش امکانات گسترش یافته تعدیل ساختاری ۱۰/۶ میلیون دلار اعتبار را اختیار دولت ملاوی قرار می‌دهد ولی در ضمن به این دولت اخطار می‌دهد که «رفرم‌های ساختاری برای موفقیت و هم‌چنین جلب کمک‌های خارجی نقش تعیین کننده دارند». از دولت ملاوی خواسته می‌شود که سرعت رفرم‌های ساختاری را افزایش بدهد. در ماه مه ۲۰۰۰، تظاهراتی که بر علیه پیش شرط‌های صندوق بین‌المللی پول صورت می‌گیرد با حمله پلیس به خشونت می‌گراید. اعضای اتحادیه‌های کارگری، فعالان حقوق بشر و دیگری که با این پیش شرط‌ها مخالفند می‌کوشند به طرف ساختمان جدید دولت که یک گروه مشاور از کشورهای کمک‌دهنده غربی با مأموران دولت در حال مذاکره بودند راه پیمائی نمایند. تظاهرکنندگان که با خود پلاکاردهائی حمل می‌کردند بر علیه بی‌آمدهای برنامه تعدیل ساختاری، با زنجیره‌ای از نیروهای پلیس روبرو می‌شوند و سرانجام، با توسل به گاز اشک‌آور، پلیس آنها را متفرق می‌کند.

### مکزیک - ژانویه ۱۹۹۴

ارتش رهائی بخش زاپاتیستا بر علیه پیمان تجارت آزاد امریکا شمالی (NAFTA) و برنامه‌های شبیه به برنامه تعدیل ساختاری دولت قیام کرد. قیام زاپاتیستا موجب بی‌ثباتی بیشتر دولت و این سیاست‌ها شد.

### ناجر - فوریه ۱۹۹۰

دانشجویان در دانشگاه نیامی (Niamey) بر علیه کاهش بودجه آموزش و پرورش که پس از رفرم‌های صندوق بین‌المللی پول انجام گرفت دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. در طول تظاهرات صلح‌آمیز دانشجویان، پلیس به سوی آنها شلیک کرد و سه تن [به گفته مقامات پلیس] و ۱۴ تن زبراساس نظر رهبران دانشجویان را کشت. تعداد زیادی هم زخمی شدند.

### نیجریه - ماه مه ۱۹۸۶

حدوداً بیست دانشجو و مردم عادی در دانشگاه احمدوبلو زططمطه مخ‌مشططماذ درازاریا زضض‌خ‌ش‌ش‌د که بر علیه برنامه تعدیل ساختاری تظاهرات صلح‌آمیز کرده بودند بوسیله نیروهای امنیتی قتل عام شدند. در طول روز بعد، تعداد بیشتری از افرادی که در اعتراض به برنامه تعدیل و قتل عام دانشگاه احمدوبلو در پلی تکنیک کادونا (Kaduna) و دانشگاه بنین و دانشگاه لاگاس گرد آمده بودند بوسیله پلیس کشته شدند.

### آوریل - ۱۹۸۹

دانشجویان ۳۳ دانشگاه در اعتراض به افزایش قیمت مواد سوختنی که براساس برنامه صندوق بین‌المللی پول انجام گرفت، تظاهرات کردند.

### ماه مه - ژوئن ۱۹۸۹

در شورش و تظاهرات بر علیه برنامه تعدیل ساختاری در لاگاس، شهر بنین و بندر هاکورت، دهها تن به قتل رسیده و صدها تن بازداشت شدند. دولت مجبور شد یک برنامه رفاهی به نام «مجموعه کمک برنامه تعدیل ساختاری» و یک برنامه گسترده گذار و یک بانک خلقی ایجاد نماید و هم‌چنین میزان حداقل مزد را بازنگری کند.

### مارچ - ماه مه ۱۹۹۰

دانشجویان و استادان در سراسر کشور بر علیه تصمیم دولت مبنی بر پذیرش یک وام ۱۵۰ میلیون دلاری از بانک جهانی برای تجدید ساختار دانشگاهها دست به تظاهرات زدند. از جمله پیش

شرط‌های اعطای این وام بستن بسیاری از دانشگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی دیگر بود. دولت نظامی دست به حمله نظامی زد. صدها تن بازداشت شده و صدها تن از نظام دانشگاهی اخراج شدند.

### ماه مه ۱۹۹۲

دانشجویان در دانشگاه‌های ایبادان (Ibadan) و لاگاس بر علیه اجرای برنامه تعدیل ساختاری که به ادعای آنها مسبب کم شدن امکانات دانشگاهی و برنامه‌های آموزشی و هم‌چنین دو برابر شدن هزینه حمل و نقل بوده است دست به تظاهرات زدند. پلیس با تیراندازی به سوی تظاهرکنندگان و زخمی کردن حداقل ۵ تن عکس العمل نشان داد. درگیری بین تظاهرکنندگان جوان مخالف دولت و پلیس ضد شورش در لاگاس حداقل سه کشته و صدها زخمی برجا گذاشت. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در مذاکرات خویش با دولت نیجریه، حذف یارانه‌ها و احتمالاً افزایش بهای نفت را پیش شرط‌های اصلی دانسته‌اند.

در ۴ اوت ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول پرداخت یک وام موقت به میزان ۱۰۳۱ میلیون دلار به نیجریه را تصویب می‌نماید که باید در راه پیشبرد رفرم‌های اقتصادی در ۲۰۰۱-۲۰۰۰ هزینه شود. به گفته صندوق، «تسریع در اجرای رفرم‌های ساختاری نیازی مبرم است. آن چه باید در اسرع وقت انجام بگیرد رفع کمبود نیرو، تلفن و تلگراف، و نفت است که به صورت مانعی جدی جلوی رشد را می‌گیرد». اگر چه برای خصوصی کردن باید چارچوب مناسبی موجود باشد ولی «خصوصی کردن بیش از این نباید به تأخیر بیفتد». «کمبودهای نهادینه‌ای» باید در اسرع وقت برطرف شوند. اگرچه در ماه مه ۱۹۹۹ پس از یک انتخابات دموکراتیک، اوباسنجو به ریاست جمهوری رسید ولی تظاهرات و اعتراضات بر علیه برنامه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول ادامه یافت. اعتراضات بر علیه برنامه‌های اقتصادی صندوق بین‌المللی پول ادامه یافت. اعتراضات به این سیاست‌ها بالا گرفت و به روزنامه‌ها کشید. دولت برنامه دارد که ضمن کنترل زدائی از بخش نفت، قیمت بنزین را افزایش بدهد. فوروم حذف فقر در نیجریه در بیانیه‌ای اعلام کرد که اوباسنجو به فشارهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تسلیم شده و می‌کوشد این سیاست‌ها را پیاده نماید. اگر چه او مدعی است که این تصمیمات را برای حفظ منافع مردم اتخاذ می‌کند ولی این ادعا فریب‌کاری است. کنترل زدائی، فقر را از آن چه که هست بسیار بدتر خواهد کرد». یکی از رهبران اتحادیه کارگری می‌گوید که «وظیفه ما نجات رئیس جمهوری است که بوسیله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ریبوده شده است. این کشور متعلق به شهروندان نیجریه‌ای است». کنگره سراسری کارگری نیجریه با بسیج ۵۰۰۰ کارگر در اعتراض به کنترل زادبی از صنعت نفت اعتراض می‌کنند ولی از سوی پلیس، مورد یورش قرار می‌گیرند. گانی فاوهیمی که علاوه بر وکالت در جنبش حقوق بشر نیز فعال است می‌گوید، «واقعاً مضحک و غم‌انگیز است که دولت اوباسنجو که در نتیجه یک فراگشت دموکراتیک به قدرت رسیده است با استفاده از خشونت خود کامگان به نمایندگان کارگران (که بر علیه طرح دولت برای افزایش قیمت بنزین دست به اعتراض زده‌اند) یورش می‌برد. استفاده از قهر از سوی پلیس که به لحاظ قانونی زیر نظر مستقیم رئیس جمهور عمل می‌کند شاهد زیر پا گذاشتن قانون اساسی، به خصوص بخش‌های مربوط به حقوق اساسی برای اعتراضات صلح‌آمیز است». جالب است که پیشتر، کمیته اطلاعات اقتصادی اعلام خطر کرد که کنترل زدائی از بازار انرژی نه فقط حلال مشکلات نیست که موقعیت را بدتر می‌کند». این کمیته به خصوص نگران بود که با این کار، واردکنندگان به ضرر مصرف‌کنندگان داخلی پول‌هایی کلان به جیب خواهند زد. این کمیته و به خصوص با افزایش قیمت نفت و بنزین مخالف بود. با این که دولت بدون توجه به این دیدگاه‌ها و حتی بدون توجه به آن چه که در کشور می‌گذشت تصمیم گرفت که سیاست صندوق بین‌المللی پول را برای افزودن بهای بنزین به اجرا در بیاورد. به همین خاطر، برای اولین بار در چند سال گذشته، در ژوئن ۲۰۰۰ اعتصاب سراسری اقتصاد نیجریه را فلج کرد. علاوه بر کارگران بخش نفت، کارمندان دولت در دیگر بخش‌ها نیز به اعتصاب پیوستند و بندر لاگاس و همه راه‌های عمده را بند آوردند. همه واحدهای فروش بنزین تعطیل شد و حتی پروازهای بین‌المللی از فرودگاه لاگاس نیز اگر لغو نشدند، به تأخیرهای دراز مدت دچار شدند. در بسیاری از شهرها کار به خشونت کشیده شد و تعداد نامعلومی به قتل رسیدند. در شهر ابوجا، مردم به دو مرکز پلیس حمله کرده آنها را به آتش کشیدند. در ژوئیه دامنه اعتراضات به مجلس ملی می‌رسد و نمایندگان از دولت درباره برنامه‌های صندوق بین‌المللی پول توضیح می‌خواهند. و به ویژه از دولت می‌خواهند که درباره مذاکرات با صندوق همه‌ی اطلاعات را منتشر نماید تا بتوان درباره اوضاع به چاره‌جویی پرداخت. تا اواسط اوت ۲۰۰۰، اگرچه صندوق بین‌المللی پول با اعطای یک وام دیگر به نیجریه موافقت می‌کند ولی

مجلس، علناً عدم رضایت خود را با برنامه خصوصی کردن اعلام می‌کند. گفته می‌شود که تا تدوین یک ساختار حقوقی مناسب برای خصوصی کردن، برنامه خصوصی سازی باید متوقف شود. رئیس کمیته خصوصی سازی در مجلس ملی می‌گوید که در دور قبلی خصوصی کردن، عمدتاً کارگران با این برنامه مخالف بودند ولی اکنون مخالفت به کارگران محدود نمی‌شود. مهندسان، ارزیابان رسمی، و بسیاری دیگر نیز با این برنامه موافقت ندارند. یک روزنامه‌نگار نیجریه‌ای می‌گوید که «از کشورهای افریقایی خواسته شده است تا علاوه بر در پیش گرفتن سیاست اقتصادی ریاضت طلبانه بر علیه مردم، شرکت‌های دولتی را به شرکت‌های چند ملیتی خارجی بفروشند و هر روزه بیشتر و بیشتر استقلال سیاسی‌شان را از دست بدهند. کشورهای که شروط صندوق را می‌پذیرند وام بیشتری می‌گیرند و آنها که این چنین نمی‌کنند، با مشکلات اقتصادی ویژه روبرو می‌شوند.» هر چه دامنه موافقت یک دولت با برنامه‌های صندوق بیشتر باشد، وام و کمک‌های بیشتری در اختیار آن دولت قرار می‌گیرد و تنها موقعی که اوضاع به حالت انفجاری در می‌آید، اجرای سیاست ریاضت طلبانه متوقف می‌شود. با این همه هر وقت که این‌طور می‌شود، صندوق بین‌المللی پول ادعا می‌کند که این دولت‌ها به اندازه کافی این سیاست‌ها را اجرا نکرده‌اند. در افریقا مشکل دیگر البته این است که منابع و امکانات روزافزونی به جای این که صرف توسعه و برنامه‌های اجتماعی شود، صرف بازپرداخت بهره بدهی‌ها می‌شود.»

### سودان - اکتبر - نوامبر ۱۹۸۷

کاهش سریع ارزش پول و افزایش سریع قیمت‌ها که هر دو نتیجه امضای موافقت‌نامه با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود باعث شد که در شهر خرطوم ۱۵۰۰۰ تن بر علیه صندوق دست به تظاهرات زدند. دانشجویان دانشگاه خرطوم ساختمان‌ها را اشغال کردند که سرانجام به تعطیل شدن دانشگاه انجامید. پی‌آمد این درگیری‌ها خشونت خیابانی و بازداشت بود.

### ترینیداد - ۲۸ ژوئیه - ۲ اوت ۱۹۹۰

انجمن مسلمانان به اداره مرکزی دولت هجوم آورده و رئیس جمهور رابینسون و دیگر اعضای کابینه را گروگان گرفته خواستار پایان بخشیدن به برنامه‌های ریاضت طلبانه اقتصادی تحمیلی صندوق بین‌المللی پول شدند. بعد از گروگان‌گیری، شورش و غارت در بندر اسپانیان (پایتخت) آغاز شد و حداقل ۵۰ نفر به قتل رسیدند.

### اوگاندا - دسامبر ۱۹۹۰

دانشجویان دانشگاه مکاریری در اعتراض به کاهش کمک هزینه آموزشی و حمل و نقل که در پی آمد اجرای برنامه تعدیل ساختاری تحمیل شده از سوی بانک جهانی اتفاق افتاد دست به تظاهرات زدند. پلیس به سوی تظاهرکنندگان شلیک کرده، دو نفر را به قتل رسانید.

### ونزوئلا - ۲۸ فوریه - ۲۰ مارس ۱۹۸۹

نزدیک به ۶۰۰ تن در تظاهراتی که بر علیه سیاست‌های اقتصادی انجام گرفت به قتل رسیده و بیش از ۱۰۰۰ تن دیگر زخمی شدند. علت تظاهرات افزایش چشمگیر قیمت مواد سوختنی و هزینه حمل و نقل عمومی برای جلب رضایت بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود. یکی از اولین اقدامات رئیس جمهور پریس از رسیدن به ریاست جمهوری امضای یک توافق‌نامه با صندوق بین‌المللی پول بود که تاریخ اجرای برنامه تعدیل ساختاری را ۲۳ فوریه تعیین کرده بود (فوریه ۱۹۹۲). کودتای افسران رده متوسط که از حمایت جدی مردم برخوردار بود شکست خورد. هدف اقتصادی کودتاگران پایان دادن به برنامه تعدیل ساختاری در ونزوئلا بود.

### زئیر - مارس ۱۹۸۵ | کنون جمهور دمکراتیک کنگو

دانشجویان دانشگاه‌های Mbuzi Mai و Mbanza Ngunu در اعتراض به کاهش بودجه آموزش عالی که از سوی دولت در راستای اجرای برنامه تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول انجام گرفت دست به تظاهرات زدند.

### زامبیا - ژانویه - فوریه ۱۹۸۷

شورش در اعتراض به افزایش قیمت مواد غذایی در مناطق تولید مس در شمال کشور که در راستای اجرای برنامه تعدیل ساختاری در دسامبر ۱۹۸۶ اعلام شد، باعث گشت که اجرای برنامه متوقف شود. مدتی نگذشت که اجرای برنامه صندوق دوباره از سر گرفته شد. در مارچ ۱۹۹۹،

صندوق بین‌المللی پول در تحت برنامه‌ای امکانات گسترش یافته تعدیل ساختاری وام سه ساله‌ای به مبلغ ۳۴۹ میلیون دلار در اختیار دولت قرار داد. از پیش شرط‌های دریافت این وام از جمله این بود که «دولت باید رفم در عرصه‌های خصوصی کردن، خدمات عمومی، و مدیریت بانکی و پولی را تسریع نماید.» در ژوئیه ۲۰۰۰، در پوشش امکانات رشد و کاهش از فقر ۱۳/۲ میلیون دلار وام دیگر در اختیار دولت قرار گرفت. در موافقت‌نامه‌ی این وام آمده است که «دولت زامبیا می‌کوشد یک سیاست پولی معقول را دنبال کرده، اعتبارات مؤسسات دولتی را محدود نماید. علاوه، در تکمیل گذار به اقتصادی تحت هدایت، بخش خصوصی اقداماتی نظیر خصوصی کردن باقی مانده مؤسسات عام المنفعه و عملکرد بخش نفت خواهد را به اجرا گذارد.» جالب این که اگرچه دولت به صندوق بین‌المللی پول بر سر این وامها و شروط به توافق رسیده بود ولی در فوریه ۲۰۰۰، رئیس جمهور زامبیا، فردریک چیلوبا رسماً از صندوق بین‌المللی پول انتقاد کرده و متذکر شد که رفم‌هایی که قرار بود باعث رونق اقتصادی کشور بشود، به عکس، بیکاری و فقر بیشتر به بار آورده است. او ادامه داد که کشورهای غربی به زامبیا گفته بودند که برای کمک به ثبات بیشتر اقتصاد «باید سیاست‌های خاصی را پیدا کنید». اکنون به ما می‌گویند، «نه، نه، افریقا باید با مؤسسات غیردولتی به روحیه کارآفرینی دامن بزند. در ایالتی که من از آن جا می‌آیم، ZCTU اتحادیه‌های کارگری اضافه مزد می‌طلبند. صندوق بین‌المللی پول به ما می‌گوید با خواسته‌شان موافقت نکنید. ما نمی‌دانیم چه باید بکنیم؟ مشکل ما این است که ما در افریقا با سرعتی دست به این فرمها می‌زنیم که انگار تنها راه رفع مشکلات ما همین رفم‌هاست.» او ادامه می‌دهد که اگر تنها به سرعت انجام رفم تکیه کنیم، بدون این که مردم اجزای آن را درست بفهمند، مشکلات ما حل نخواهد شد. در اواخر آوریل ۲۰۰۰، زنجیره‌ای از تظاهرات زامبیا را در بر گرفت که در آن تظاهرکنندگان خواهان پایان دادن به برنامه‌ی تعدیل ساختاری صندوق بودند. در لوساکا، تظاهرکنندگان که می‌خواستند در خیابانهای اطراف هتل‌ی که نمایندگان صندوق و دولت مشغول مذاکره بودند، تظاهرات نشسته انجام بدهند بوسیله پلیس مسلح ضد شورش پراکنده شدند. این تظاهرات که از سوی سازمان زنان برای تغییر سازمان‌دهی شده بود، صندوق و بانک جهانی را مسبب ادامه فقر در کشور می‌داند. به گفته امیلی سیکزوه که در سازمان زنان برای تغییر فعالیت می‌کند، «صندوق بین‌المللی پول دارد همه ما، مخصوص زنان و کودکان، را می‌کشد.» در گزارش دیگری امیلی سیکزوه می‌نویسد که «اگر می‌خواهید پی‌آمد واقعی برنامه تعدیل ساختاری در زامبیا را به چشم ببینید به بیمارستان آموزشی دانشگاه در لوساکا که بزرگترین بیمارستان پایتخت است سر بزنید. شرایط موجود در این بیمارستان بسیار بد است و اغلب بخش‌ها پر از BIDS (Brought in Dead) می‌باشد منظور این است که بیمار مرده به بیمارستان می‌رسد.» او در گزارش خود توضیح می‌دهد که چگونه در نتیجه‌ی برنامه‌های خصوصی کردن، بیش از ۶۰۰۰۰ نفر از کار بیکار شدند و بیش از ۴۲۰۰۰۰ نفر هم به فقر و فلاکت افتادند.» به عقیده او، «برنامه تعدیل ساختاری فقر افزاست». با ادامه بحران اقتصادی، در اوت ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول از زامبیا می‌خواهد که به اقتصاد بیشتر از سیاست ارج بگذارد. به گفته معاون اول صندوق، استانیلی فیشر، زامبیا با تصمیمات بسیار دشوار روبروست. در سال آینده قرار است در این کشور انتخابات عمومی بشود و فیشر به سیاستمداران زامبیائی اخطار می‌کند که نگذارند ملاحظات سیاسی از ملاحظات اقتصادی مهم‌تر شود. «من با خوش بینی محتاطانه زامبیا را ترک می‌کنم. در یک سال انتخاباتی، تصمیمات صدرصد اقتصادی اتخاذ کردن بسیار دشوار است. به سادگی می‌توان برای حفظ منافع کوتاه مدت، هر آن چه را که در این ۵ سال گذشته به دست آورده‌اید از دست داد در حالی که منافع دراز مدت شما کاملاً روشن و آشکار است.»

### آرژانتین: دسامبر ۲۰۰۱

حوادث انفجار آمیز اواسط دسامبر که به برکناری چهار رئیس و قتل تعداد بی‌شماری، ۳۰ نفر در همان روزهای اولیه، منجر شد نتیجه منطقی اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری در ۲۶ سال گذشته بود. ولی ماجرای اخیر به واقع از دسامبر ۱۹۹۹ آغاز می‌شود که در عکس‌العمل به کوشش دولت برای اجرای سیاست‌هایی که با صندوق بین‌المللی پول مورد توافق قرار گرفته، موج اعتصابات کشور را در برمی‌گیرد. یکی از عرصه‌هایی که مورد اعتراض قرار می‌گیرد کاستن از قدرت اتحادیه‌های کارگری و پائین آوردن دستمزد کل کارگران است. از نظر فعالان جنبش کارگری در آرژانتین وضعیت به آن چه که در اواسط سالهای ۱۹۸۰ به سقوط حکومت آلفانسیو منجر شده بی‌شباهت نیست. وضع مالی کشور تعریفی ندارد و در نتیجه، در مارچ ۲۰۰۰ براساس توافقی که بین دولت و صندوق بین‌المللی پول صورت می‌گیرد صندوق به شرط این که دولت به رفم مالی و ساختاری ادامه بدهد، با اعطای یک اعتبار موقت سه ساله ۷ میلیارد دلاری موافقت

می‌کند. آن چه که در این توافق نمود برجسته‌ای دارد تاکید صندوق بر فرم بازار کار و کنترل زدائی و هم‌چنین فرم بیشتر نظام بیمه‌های اجتماعی است. به سخن دیگر، درست بر عکس آن چه که مورد نظر جنبش کارگری است، صندوق از سوئی بر اجرای همان سیاست‌ها اصرار می‌ورزد و دولت هم، با اجرای آن موافقت می‌نماید. در آوریل ۲۰۰۰، قانون فرم بازار کار در حالی از تصویب مجلس سنا می‌گذرد که ده‌ها هزار تن تظاهرکننده ساختمان کنگره را محاصره کرده و با نیروهای پلیس مشغول زد و خورد خیابانی بودند. بیش از ۳۰ تن زخمی شده و ۵۰ تن دیگر دستگیر شدند. در ماه مه ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول از دولت می‌خواهد که پرداخت‌های بیمه‌های رفاهی را کاهش بدهد ولی، تظاهرات خشونت‌آمیزی بر علیه این سیاست دولت در می‌گیرد. اعتراضات صلح‌آمیز بیکاران مؤسسات بیمه مبنی بر قطع پرداخت به آنان، از کنترل خارج می‌شود و بیکاران خشمگین عمارات دولتی را به آتش می‌کشند. این تظاهرات، ولی بوسیله نیروهای ضد شورش و پلیس به شدت سرکوب می‌شود. تعداد کثیری زخمی و دستگیر می‌شوند. کارگران روستائی که در وضعیت مشابهی هستند، با بستن جاده‌ها و اشغال ادارات دولتی محلی به سیاست دولت اعتراض می‌کنند. در ماه مه ۲۰۰۰، وقتی که دولت در اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول می‌کوشد ضمن کاستن از پرداخت‌های رفاهی و حقوق‌ها، میزان مالیات‌ها را افزایش بدهد، بیش از ۸۰۰۰۰ تن در پونتوس آیرس دست به تظاهرات می‌زنند. سازمان دهندگان این تظاهرات، سه اتحادیه عمده کارگری و هم‌چنین کلیسای کاتولیک است که معمولاً از این نوع اقدامات حمایت نمی‌کند. جالب است که شماری از سیاستمداران، (هم از احزاب حاکم و هم از احزاب مخالف دولت) نیز در سازمان‌دهی این اعتراضات شرکت دارند. تظاهرکنندگان ضمن اعتراض به «دیکتاتوری مالی صندوق بین‌المللی پول» اعلام کردند که در برابر این دیکتاتوری نافرمانی را آغاز کرده و از پرداخت مالیات‌های خود خودداری خواهند کرد. متوسط مالیات پرداختی از ۸ درصد به ۲۲ درصد افزایش یافت. در پژوهشی که در مرکز سنجش افکار عمومی در آرژانتین صورت گرفت، ۷۰ درصد از کسانی که با آنها مصاحبه شد صندوق را مسبب تعدیل بودجه کشور می‌دانند. ۶۵ درصد عقیده دارند که این سیاست‌ها موفقیت‌آمیز نبوده است و ۸۸ درصد معتقدند که دولت باید در برابر صندوق بین‌المللی پول مقاومت کرده و دایره اعمال نفوذ آن را کاهش بدهد. در یک نظر سنجی دیگر، درصد کسانی که با دولت موافق بودند از ۳۵ درصد در ژانویه به ۱۳ درصد در ژوئیه ۲۰۰۰ رسید. در ژوئن ۲۰۰۰، در اعتراض به قوانین کار که از سوی صندوق بر دولت تحمیل شده بود، یک اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته فرا خوانده شد که ۷/۲ میلیون کارگر در آن مشارکت کردند. رئیس جمهور، دلاوآ در عکس‌العمل به اعتراضات مردم گفت که «دولت چاره‌ای غیر از گردن نهادن به خواسته‌های صندوق بین‌المللی پول ندارد». و به این ترتیب، تداوم اعتراضات و تظاهرات اجتناب‌ناپذیر شده بود. در اوت ۲۰۰۰ وقتی دولت در اجرای فرم‌های تعدیل ساختاری از حقوق ملعمان ۱۲ درصد کاست، معلمان در سرتاسر کشور به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دست زدند. در همین ماه، برای اولین بار شماری از روزنامه‌های غربی به بحران قریب‌الوقوع آرژانتین اشاره کردند. برای نمونه، تایمز مالی نوشت که «موجی از اعتراضات و ناراضی‌های سرتاسر آرژانتین را فرا گرفته است و به نظر می‌رسد همه‌ی سرمایه‌سیاسی دولت از دست رفته چون برای ایجاد اشتغال و رونق بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی مجبور به اتخاذ سیاست‌های حادی شده است. حتی طرفداران دولت هم خود را رفته رفته کنار می‌کشند». در همین ماه، دادگاه عالی آرژانتین در یک اقدام بی‌سابقه، صندوق بین‌المللی پول را مستقیماً مسئول بدهی خارجی زیاد کشور اعلام کرد و به ویژه بر این نکته دست گذاشت که منشأ مشکل بدهی خارجی که به حکومت دیکتاتوری ژنرال‌ها برمی‌گردد فقدان مشروعیت است. یکی از قضات، قاضی یورگ بالسترو گفت که این بدهی‌ها بخشی از سیاست اقتصادی مغربی است که به شیوه‌های گوناگون، آرژانتین را به زانو در آورده است. و این شیوه‌ها، به ضرر جامعه، تنها به نفع شرکت‌های خصوصی داخلی و خارجی است». دادگاه عالی در اعلامیه خود متذکر شد که مسئولان صندوق بین‌المللی پول که این مذاکرات را انجام دادند می‌دانستند که با چه کسانی مذاکره می‌کنند. بیش از ۵۰۰۰ نفر در اطراف ساختمان دادگاه عالی به حمایت از تصمیمات قضات دست به تظاهرات زدند...

پی آمد اقتصادی این سرکوب‌های فرار بیشتر سرمایه و ورشکستگی دولت است که به نوبه موجب تعمیق رکود می‌شود، خریداران خارجی و نخبگان داخلی ولی فرصت می‌یابند که تنه اموال دولتی را به قیمت‌های ناچیزتر خریداری نمایند.

قدم چهارم: تجارت آزاد است و رفع «موانع» موجود بر سر راه ورود و خروج آزادانه کالاها و خدمات. روایت کتابی آن است که بازارهای جهانی به روی کالاها و خدماتی کشور باز می‌شود و کشور «درآمد ارزی» بیشتر پیدا می‌کند. ظاهراً به ذهن متخصصان صندوق بین‌المللی پول و

طبلان‌شان در کشورهای پیرامونی خطور نمی‌کند که گیرم که مشکل تقاضا برای این کالاها و خدمات را حل کردید، مسئله عرضه آنها را چه می‌کنید؟ آیا جز این است که در اغلب این کشورها با اقتصادی کمبود سالار که توان تولیدی‌اش ناچیز است روبرو هستید! اگر با کاستن از مصرف داخلی به صادرات فرآورده‌های مورد نیاز خواهید پرداخت، در آن صورت تورم داخلی را چه خواهید کرد؟ و اگر این کار را نکنید، پس این کالاها و خدمات ما را از کجا خواهید آورد؟

آن چه ولی به واقعیت نزدیکتر است این‌که با هجوم سیل‌واره واردات، هم تنه تولیدکنندگان داخلی ورشکست می‌شوند و هم اقتصاد کسری تراز پرداخت‌های بیشتری پیدا می‌کند که پی‌آمدش، افزودن بر بدهی خارجی است که قرار بود با اجرای این قدم‌ها حذف شود. این جا دیگر، به دروازه دوزخ رسیده‌اید!

ژوئن ۲۰۰۲

## پانویس‌ها:

۱. عنوان اصلی این نوشته چهار قدم به دوزخ: «برنامه تعدیل ساختاری» است، که به صورت پیش‌گفتار کتابی بنام استعمار بسا ملرن توسط «نشر دیگر» در دست انتشار است.
۲. همان‌طور که در جای دیگر به اختصار توضیح داده‌ام من با کاربرد اصطلاح «جهان سوم» در خصوص بخشی از جهان که بطور نسبی فقیرترند موافق نیستم. به اعتقاد من، گذشته از این‌که اصطلاح «جهان سوم» بار نژادپرستانه و برتری طلبانه دارد، حامل این پیام نادرست هم هست که انگار در آغاز «جهان اول» بوده، سپس «جهان دوم» و سرانجام در نیم قرن اخیر هم بخش سومی به این مجموعه اضافه شده است. به این نکته نیز اشاره کنم که حتا با در نظر گرفتن تئوری چینی «سه جهان»، «دیگر «جهان دومی» وجود ندارد. حتی در دوره اقتدار «سوسیالیسم روسی» هم بهره‌گیری از عبارت «جهان سوم» به گمان من نادرست بوده و توجیه منطقی نداشته است. کشورهای به اصطلاح «جهان سوم» یا سرمایه‌سالاری‌اند یا در حال سرمایه‌سالاری شدن و یا ساختار اقتصادی - اجتماعی دیگری دارند که فقط با بررسی دقیق مشخصات جامعه‌شان می‌توان آن را مشخص کرد. به علاوه، کاربرد اصطلاحی چون «جهان سوم» نیز خطای یک کاسه کردن مجموعه‌ی گسترده از ملل با تاریخ متفاوت را که در کنار بعضی شباهت‌ها با هم هزار و یک اختلاف دارند به دنبال دارد. زیان این تسامح، به عقیده من، میدان دادن به ساده‌اندیشی‌های دیگر در رویارویی با مسائل و مشکلات بسیار است. هم‌چنین بی‌آن‌که خود بخواهیم مشوق ناسیونالیسم عقب مانده‌ای می‌شویم که شماری از ما با آن دست به گریبانیم. ناکفته روشن است که مخالفت من با یکی گرفتن ملل با تاریخ‌های گونه‌گون در پوشش «جهان سوم» به همان میزان با یک کاسه کردن کشورها در پوشش «تعدیل ساختاری» نیز صادق است. اگر «جهان سوم» بیان نادرستی از یک واقعیت است، به باور من «تعدیل ساختاری» هسان کردن مجموعه‌ای متناقض در پیوند با همان واقعیت نه فقط در حال که در آینده است. از کشورهای به اصطلاح «جهان سوم» می‌توان به صورت «کشورهای پیرامونی» یا «کشورهای اکثریت» یاد کرد.
۳. به گوشه‌هایی از این مسئله در جای دیگر پرداخته‌ام. بنگرید به احمد سیف: تعدیل ساختاری و جامعه باز و مدنی، [نشر فرزاد روز، در دست چاپ]
۴. به نقل از: A Socialist Alternative to Global Capitalism منبع اینترنت:
۵. به نقل از: The Whirled Bank Group منبع اینترنت.
۶. به نقل از: Conn Hallinan: The Global Goodfellas at the IMF به نقل از اینترنت
۷. صندوق بین‌المللی پول: دورنمای اقتصادی جهان، واشنگتن، ۱۹۹۷ - میزان بدهی در ۱۹۹۸ بر مبنای تخمین صندوق بین‌المللی پول در این کتاب آمده است.
۸. مارکوس اردوا: برزیل: غرقه در قرض، در جهانی کردن فقر و فلاکت استراتژی تعدیل ساختاری در عمل، ترجمه احمد سیف، تهران نشر آگه، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱.
۹. سوزان جورج: تاریخچه مختصر نئولیبرالیسم... در همین مجموعه.
۱۰. شماری از مدعیان نفع خود طلب این استراتژی غارت و چپاول انگار در سیاره دیگری زندگی می‌کنند وقتی ادعا می‌کنند که سیاستمداران اگر نخواهند به واقع می‌توانند این سند بندی را امضاء نکنند. واقعیت این است که صندوق بین‌المللی پول دیگر تنها یک مؤسسه پولی نیست بلکه جریانی است که برای دولت‌ها جواز صحت اقتصادی و سیاسی صادر می‌کند و بدیهی است که اگر برای حکومتی این جواز را صادر نکند حساب آن حکومت در بازارهای جهان با کرام الکاتبین است.
۱۱. منبع: بانک جهانی، جدول‌های جهانی، ۱۹۹۴ به نقل از: John Flemming  
Commentary: Public Sector Deficits and Macroeconomic Stability in Developing Economies, in, The Federal Reserve Bank of Kansas City: Budget Deficits and Debt: Issues and Options, 1995, p.388
۱۲. James Petras: The Political Economy of Early Debt Payment, به نقل از اینترنت سایت zmag
۱۳. همان منبع.
۱۴. منبع: بانک جهانی، جدول‌های جهانی، ۱۹۹۴ به نقل از John Flemming  
Commentary: Public Sector Deficits and Macroeconomic Stability in Developing Economies, in, The Federal Reserve Bank of Kansas City: Budget Deficits and Debt: Issues and Options, 1995, p.388
۱۵. Enhanced Structural Adjustment Facilities [ESAF]
۱۶. Poverty Reduction and Growth Facility [PRGF]
۱۷. در تدوین مطالب این مقدمه از سایت‌های متعدد اینترنتی استفاده کرده‌ام. برای نمونه بنگرید به: <http://www.wdm.org.uk/cabriefs/DEBT/unrest.htm> و [www.zmag.org](http://www.zmag.org)
۱۸. در سایت اینترنت: [www.zmag.org/Zmag/articles/feb01hahnel.htm](http://www.zmag.org/Zmag/articles/feb01hahnel.htm) بنگرید به: Robin Hanhnel: Imperialism, Human Rights, and Protectionism.